



اخیراً در سلسله دیوانهایی که انتشارات نگاه^۱ در این چند ساله و با سرعتی سرسام آور در صدد تجدید چاپ آن به هر نحو برآمده است، کتابی به نام **مجموعه اشعار فرخی یزدی** به وسیله آقایان اخوت و سپانلو چاپ شده که جای تأمل بسیار و در عین حال تأسف دارد. از آنجا که یکی از کوشندگان این مجموعه، شهرتی در تدوین برخی کتابها در زمینه شاعران معاصر دارد، نگارنده تصور می کرد که روایتی تازه از شعر فرخی در این دیوان خواهد یافت، اما پس از بررسی برخی از اشعار به حروف چینی تازه ای از چاپ مرحوم حسین مکی دست یافت.

در خصوص تدوین فعلی

به راستی چگونه می شود تجدید چاپ **دیوان فرخی یزدی**، تصحیح زنده یاد حسین مکی و تغییر دادن قلم و ضمیمه کردن چند شعر باز یافته و افزودن سالشمار زندگی فرخی را که قبلاً به وسیله آقای سپانلو در کتاب **شهر شعر فرخی** (ص ۲۸۰ - ۱۹۷) چاپ شده است، تدوین نماید. چگونه می شود در حالی که دو سال از درگذشت

مرحوم مکی نگذشته، چاپ او را دگرگون کرد و آنگاه در مقدمه نوشت: «بر اساس مدارک موجود» باید پرسید آیا به غیر از **دیوان فرخی یزدی** چاپ امیرکبیر و **شهر شعر فرخی**، مدارک دیگری وجود داشته است؟ تدوین کنندگان چنانکه خواهد آمد حتی به خود زحمت نداده اند که به یک شماره روزنامه **طوفان** که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس تهران است، رجوع کنند. باز جای شکرش باقی است که از چاپ **دیوان فرخی** که در سال ۱۳۷۸ به وسیله کنگره فرخی یزدی چاپ شده، مآخذ روزنامه **طوفان** را نیفزوده و تنها به چاپ امیرکبیر قناعت کرده اند، مثلاً اگر به **دیوان فرخی** که به وسیله حسین مکی و در انتشارات جاویدان چاپ شده رجوع می کردند، می دیدند، ذیل غزلی به مطلع:

گر نگون در نارِ نمرودم نمایی بیم نیست

تا بدانی همّت ما کم ز ابراهیم نیست^۲

متن کامل آن را آورده و آقایان ناچار نمی شدند در پاورقی و به نقل از چاپ امیرکبیر به اشتباه بنویسند: «مطلع و بقیه شعر به دست نیامد.» (ص ۲۵) و جالب تر آن که، شعری را که مطلع دارد، حتماً و



● مجموعه اشعار فرخی یزدی

● تدوین: مهدی اخوت و محمد علم سیانلو

حسین مسرت



منبع، نخستین غزلهای فرخی دو غزل به ترتیب و مطلع زیر است:
قسم به عزت و قدر و مقام آزادی
که روح بخش جهان است نام آزادی

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی
دست خود ز جان شستم از برای آزادی
که اوکی در سال ۱۳۰۵ ش و دومی در سال ۱۳۰۱ ش سروده شده
است.

اما از آنجا که آقای اخوت در مقدمه ادعا نموده است: «سعی
شده است که بر اساس برخی اشارات تاریخی، و ارجاعات وقایع
عصری، در حد امکان این آثار، مطابق تاریخ سرودن یا انتشار آن‌ها
سامان یابد.» (ص ۱۱) ذیلاً به تاریخ حقیقی سرودن یا انتشار برخی
اشعار اشاره می‌شود تا صدق این گفتار نیز روشن شود:

ص ۳۷، شعر اول: تاریخ آن شهریور ۱۳۰۱ است، نه شهریور ۱۳۰۰
(ر.ک. طوفان، مورخ ۱۳۰۷/۶/۳۰).

ص ۴۳، شعر اول: بهمن ۱۳۰۱ است، نه پاییز ۱۳۰۰ (ر.ک. قیام

سهوا نوشته‌اند: مطلع آن به دست نیامد!!
آیا می‌توان مخلوط کردن قصیده، غزل و قطعه را در یک بخش،
و جای دادن مسطبات وی به همراه گزیدهٔ مثنوی «فتح‌نامه» را در
بخش دیگر، تحت عنوان آثار پراکنده، «تنظیم فنی» نامید (مقدمه، ص
۱۰). این تنظیم را قبلاً آقای سپانلو عیناً در کتاب شهر شعر فرخی به
دست داده بود (ص ۱۸۰-۲۵). باید از تدوینگران پرسید بر اساس کدام

(۱۳۰۱/۱۱/۱)

ص ۴۵، شعر اول: آبان ۱۳۰۲ است، نه آذر ۱۳۰۰ (ر.ک. طوفان ۱۳۰۲/۸/۴).
ص ۵۸، شعر دوم: آبان ۱۳۰۰ است، نه تابستان ۱۳۰۱ (ر.ک. طوفان ۱۳۰۰/۸/۵).

ص ۸۳، شعر دوم: بهمن ۱۳۰۱ است، نه تابستان ۱۳۰۳ (ر.ک. طوفان ۱۳۰۱/۱۱/۸).

ص ۸۶، شعر دوم: مهر ۱۳۰۱ است، نه پاییز ۱۳۰۳ (ر.ک. طوفان ۱۳۰۱/۷/۱۹).

ص ۹۰، شعر دوم: مأخذ تاریخ شعر روشن نیست.
ص ۹۶، شعر دوم: خرداد ۱۳۰۲ است، نه تابستان ۱۳۰۷ (ر.ک. طوفان ۱۳۰۲/۳/۹).

ص ۹۷، شعر اول: شهریور ۱۳۰۲ است، نه زمستان ۱۳۰۷ (ر.ک. طوفان ۱۳۰۲/۶/۱۲).

ص ۹۷، شعر دوم: تیر ۱۳۰۲ است، نه زمستان ۱۳۰۷ (ر.ک. طوفان ۱۳۰۲/۴/۳۰).

مروری بر متن مجموعه اشعار

الف: غزلیات، قصاید، قطعات

ص ۲۵، غزل به مطلع: «گر نگون در نار نمرودم نمایی بیم نیست» قبلاً توضیح داده شد.

ص ۱۰۷، ۱۳۶، ۱۳۹، آنچه تحت عنوان نسخه بدل آمده، چیزی نیست جز شماره‌های دیگر طوفان، حتماً اهل تحقیق می‌دانند نسخه‌ای از دیوان فرخی بر جای نمانده و آنچه هست اشعاری است که از فرخی در روزنامه طوفان، مجله طوفان هفتگی و دیگر نشریات آن روزگار چاپ شده و چون فرخی برخی اشعارش را دو و یا سه بار

شعر در «ایران آزاد» آمده و شاید از فرخی نباشد. البته اگر کوشندگان دیوان به خود زحمت داده بودند، با مراجعه به کتاب سرنوشت^۲ (مجموعه اشعار حبیب یغمایی)، می‌دیدند که این شعر از مرحوم یغمایی است و ردیف آن «بایست کرد» بوده و مرحوم مکی آن را اشتهاً در دیوان فرخی وارد کرده است.

در ص ۱۸، شعری ناقص به مطلع زیر آمده است:

«فرخی» کاین ادبیات سروده است خشن

عذرخواه است صمیمانه ز ابنای وطن

که این شعر، نه غزل است، نه قطعه و نه قصیده، بلکه بخشی از مسمط است که آقای اخوت بخش دیگر آن را در آثار پراکنده (ص ۲۷۵) آورده است.

ص ۱۰۹-۱۰۸، کاش آقای اخوت روشن می‌نمودند که طبق کدام «مدرک موجود» این غزل شوریده شیرازی، متعلق به فرخی است، ثانیاً طبق کدام سند تاریخی و از لحاظ فنی در این ردیف آمده است، اما برای آشنایی ایشان و دیگر خوانندگان عرض می‌شود که غزل به مطلع زیر:

از بس که غم به سینه من بسته راه را

دیگر مجال آمد و شد نیست آه را

متعلق به محمدتقی شوریده شیرازی است که فرخی این غزل را به یادگار وی در روزنامه طوفان، س ۶، ش ۳۵ (۱۳۰۵/۸/۱۷) ثبت کرده است و طبق مندرجات کتاب غزلیات شوریده شیرازی، گردآوری حسن فصیحی-فرزند وی- این غزل در حضور ناصرالدین شاه قاجار سروده شده و فرصت شیرازی به اشتباه در کتاب آثار عجم آن را به نام سید اسدالله غزاً آورده است^۴، مقطع شعر مذکور که حاوی

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تخلص شوریده بوده، چنین است:
«شوریده» را بخواند و به دولت مزید کرد
دولت، مزید باد شه جم کلاه راه
برای اشتباهات چاپ کتاب رجوع شود به بخش آخر این مقاله.

ب: رباعیات

بر اساس مدارک موجود (دیوان فرخی چاپ مکی) چند رباعی در مقدمه دیوان آمده است که در متن کتاب نیامده و از اینرو به چاپ منقح (!) آقای اخوت راه نیافته است!

رباعیات به قرار زیر است:

هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد

افسرده ز صاحبان دیهیم نشد

در طوفان با تغییرات چاپ کرده، مرحوم مکی هم ذیل آن اشعار آورده: در جای دیگر مثلاً فلان گونه آمده است (ص ۸۹، ۸۶ و...) و آقای اخوت هم تصور کرده که طبق تصحیحات نسخه‌های خطی، نسخه‌هایی متعدد از دیوان فرخی یزدی وجود داشته است.
مثلاً غزل ص ۱۰۷، نسخه بدل، همان طوفان، س ۲، ش ۳۸ (۱۳۰۱/۱۱/۲۳) است.

غزل ص ۱۳۶، نسخه بدل، طوفان، س ۲، ش ۱۵۷ (۱۳۰۶/۱۲/۲۹) است.
غزل ص ۱۳۹، نسخه بدل، روزنامه اقدام، ش ۱۷۵ (۱۳۰۵/۷/۱۱) است.

ص ۲۷۲، هم در مکی و هم در جاهای دیگر مأخذ اصل و بدل! آن به دست نیامد.

ذیل ص ۶۰ و به نقل از مرحوم مکی (ص ۱۲۱) آمده است، این

جانم به فدای آنکه در پیش دشمن

تسلیم نمود جان و تسلیم نشد
(مقدمه: ۱۰)

هر خامه نگفت ناکسان را توصیف

هر نامه نکرد خائنان را تعریف

آن خامه ز پافشاری ظلم شکست

آن نامه به دست ظالمین شد توقیف
(مقدمه: ۲۳)

زین محبس تنگ در گشودم، رفتم

زنجیر ستم پاره نمودم، رفتم

بی چیز و گرسنه و تهیدست و فقیر

زان سان که نخست آمده بودم، رفتم
(مقدمه: ۶۲)

شد خرم من ما دستخوش برق ببین

طوفان به خلاف رسم شد غرق ببین

خواهی اگر آن نکات «طوفانی» را

در آتیه از «ستاره شرق» ببین
(مقدمه: ۲۳)

البته نگارنده مأخذ تمامی رباعیات را در اختیار دارد که به سبب

اطاله کلام از ذکر آن چشم پوشی می شود. اما بر اساس شماره های

روزنامه طوفان چندین رباعی وجود دارد که در چاپ مکی و پیروان

در چاپ اخوت نیامده است، از جمله:

در محکمه عدل، تراضی شرط است

وجدان حکم و عاطفه قاضی شرط است

هفتگی با آنچه در دیوان فرخی چاپ مکی است، دیده می شود که به
طور خودکار! به چاپ جدید (اخوت) هم راه یافته است که بیش از
صد مورد است، و از ذکر آن درمی گذریم. اما به غیر از اغلاط مطبعی،
چند رباعی هم با دگرگونی ردیف و قافیه در چاپ مکی مواجه شده
که فقط به یک نمونه آن بسنده می شود.

بی چیزی من اگر چه پایست من است

غم نیست که تاب نیستی، هست من است

بابی سروپایی ز قناعت، دایم

سرمایه روزگار در دست من است

طوفان، س ۶، ش ۱۵۴ (۱۳۰۶/۲۳)

این رباعی در چاپ مکی (ص ۲۰۸) با ردیف «مرا» آمده است.

ص ۲۲۸ (اخوت) رباعی اول:

ای آنکه ز جود توست دریا در رشک

افلاک همی گرید و می ریزد اشک

اولاد بنی آدم و با این همه جود

شرمنده احسان توام یعنی: کسک

از آن عبدالرحیم قضایی یزدی، شاعر عصر قاجار (ف ۱۲۴۴ ق)

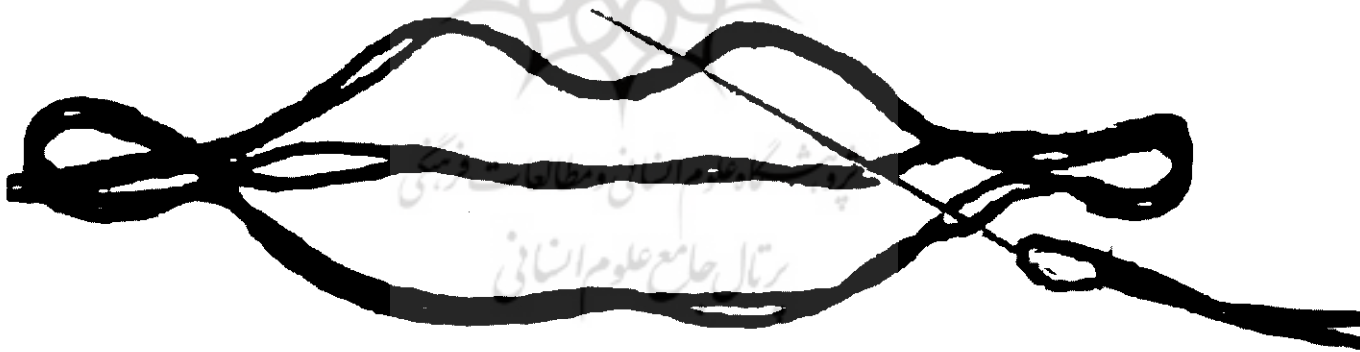
است که در دیوانهای خطی و چاپی عوی وجود دارد و فرخی آن را به
یاد داشته و به شوخی به آقای رضا گلشن یزدی گفته و او آن را به
مکی داده و آن مرحوم بدون اطلاع از اصل رباعی، آن را به نام فرخی
آورده (ص ۲۴۴) و این اشتباه به چاپ جدید (اخوت) راه یافته است.

پ: شعرهای باز یافته

این اشعار قبلاً در کتاب شهر شعر فرخی و بر پایه محتویات

کیف بر جای مانده از فرخی در خانه عباس یمینی شریف (شاعر

کودکان) که بعداً به نوه اش فرشته یمینی شریف رسیده، چاپ شده



خواهی که کنند مالک و دهقان صلح

ملی شدن آب و اراضی شرط است

طوفان، س ۱، ش ۴۹ (۱۳۰۷/۱۲/۹)

گر وحدت روس و ما مکمل می شد

سختی به موافقت مبدل می شد

چون صرفه هر دو مملکت در این است

ای کاش که مشکلات ما حل می شد

طوفان، س ۶، ش ۴۱ (۱۳۰۵/۷/۲۴)

آنان که برند دخلهای مثنوم

از حاصل دسترنج جمعی معلوم

ای کاش از آن دخل خصوصی سازند

مصروف رفاهیت احوال عموم

طوفان، س ۱، ش ۵۰ (۱۳۰۷/۱۲/۱۱)

اختلافات فاحشی در اصل رباعیات مندرج در طوفان و طوفان

بود (ص ۱۹۹-۱۹۷) و اکنون این اشعار با جابه جایی و صد البته بر
اساس «تنظیم فتی» که قبلاً اشاره شد، چاپ می شود و مراد از عبارت
«برخی خاندانهای ایرانی» (مقدمه اخوت، ص ۱۰) همان خانواده
عباس یمینی شریف است.

اما نکته گفتمی درباره این اشعار، چاپ غزل ناقص شادروان
حسین پژمان بختیاری به نام فرخی است، چهار بیت غزل به مطلع زیر:

خفته در چشم تو نازی است که من می دانم

نگهت دفتر رازی است که من می دانم

در کتاب شهر شعر فرخی (ص ۹-۱۹۸) آمده که به چاپ اخوت

هم راه یافته است. اصل غزل با اختلافات چندی در دیوان

پژمان بختیاری آمده و بیت پایانی آن چنین است:

یک حقیقت به جهان هست که عشقش خوانند

آن هم ای دوست، مجازی است که من می دانم^۷

و ظاهراً این اشتباه از آنجا ناشی شده که گویا فرخی از این شعر خوشش آمده و آن را بر پاره کاغذی یادداشت نموده و نزد خود نگاه داشته و بعد در میان دستنوشته‌های او پیدا شده است.

ت: آثار پراکنده

ص ۲۶۷، اخوت دو مسمط را به هم الحاق کرده است، که مطلع دومی چنین است:

عید جم شد، ای فریدون خوئت ایران پرست

مستبدی خوی ضحاک است، این خو، نه زدست
(ص ۲۹۶-۲۸۵)

آقای اخوت مثنوی فتح‌نامه را در ردیف آثار پراکنده آورده و هر جا نتوانسته است متن چاپ سنگی را بخواند، کلمه ناخوانا را گذارده، مثلاً ص ۲۸۶ پس از کلمه «کوشیده‌اند»، واژه‌ای نبوده که ایشان آن را بخوانند! چون عبارت کامل است.

ص ۲۹۱، پس از سطر سوم، عبارت «چند خط ناخوانا» را آورده، آری اگر ایشان به اصل فتح‌نامه فرخی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است، مراجعه می‌کرد، می‌توانست آن چند سطر را که در چاپ مکی نیامده، ملاحظه کند زیرا در آنجا آمده است: «رفتن سردار جنگ از پی سارقین و اشاره به اقدامات سدیدالممالک و کافی‌الممالک

پس از پند و اندرز، قد بر فراخت

به سریزد چون برق، مرکب بتاخت»

ث: فرخی در گذرگاه تاریخ

چنانکه اشاره شد این بخش قبلاً در کتاب شهر شعر فرخی (ص ۲۸۰-۲۰۳) با عنوان «گام به گام با فرخی» آمده بود و اکنون با دگرگونی قابل توجه، از جمله حذف اصل نقل قولها، تجدید چاپ شده است. این بخش هم به لحاظ استنادات تاریخی، خالی از اشتباه نیست که بحث آن در حوصله مقاله‌ای دیگر است و در اینجا تنها به ذکر دو نمونه آن بسنده می‌شود:

ص ۳۰۴:

ذیل وقایع سال ۱۲۹۰ و اقامت فرخی در تهران می‌آورد: «فعلاً نه با جراید نوین یا پتخت همکاری کرده و... مردم و روزنامه‌نگاران به او لقب تاج‌الشعرا می‌دهند» که اشتباه بوده و این لقب ظاهراً توسط حکام بختیاری یزد بدو داده شده و اتفاقاً در آغاز مثنوی فتح‌نامه سردار جنگ که در یزد به تاریخ ۱۲۸۹/۳/۲۳ ش به چاپ سنگی رسیده از او با لقب «تاج‌الشعرا» یاد شده است.

ص ۳۳۴:

بازگشت فرخی را به ایران در بهار ۱۳۱۱ ش می‌داند که بنا بر مستندات تاریخی و اسناد بر جای مانده، وی به تاریخ ۱۳۱۱/۵/۸ ش از خاک اروپا اخراج شده است.^۸

اما اغلاط مطبعی که بر اساس «مدارک موجود» (یعنی دیوان فرخی، چاپ حسین مکی) به کتاب تدوین شده اخوت راه یافته، بالغ بر صدها مورد است که تمامی آنها در حاشیه نسخه نگارنده یادداشت شده و چون صفحات زیادی را اشغال خواهد کرد، به عنوان نمونه به ذکر چند مورد آن بسنده می‌شود (البته بر مبنای ۱۵ صفحه نخست مجموعه اشعار (ص ۱۵ تا ۳۰)).

توضیح آن که اغلب این اغلاط ناشی از اشتباهات تنها مدرک موجود (چاپ مرحوم مکی) بوده که آقای اخوت نوشته: «در همه چاپها از غلط‌های مطبعی لطمه دیده.» (ص ۱۰) و گرنه در شماره‌های طوفان و طوفان هفتگی (به جز چند استثناء) غلط مطبعی راه ندارد.

یکی از اتفاقات نادر عرصه چاپ این است که کلیه اغلاط و اصلاحات آخرین چاپ مکی (به جز چند استثناء) عیناً در تدوین جدید آقای اخوت دیده می‌شود و جالب‌تر آن که کلیه ابیاتی که مرحوم مکی سهواً از قلم انداخته است، در تدوین جدید هم دیده نمی‌شود، چه شباهت غیرقابل توصیفی!!

ذیلاً بر اساس روزنامه طوفان به توضیح تغییرات پرداخته شود و مجملی از مفصل آن بیان می‌گردد:

ص ۱۷، ب ۲: اصل مصرع چنین بوده: «گر رسد دستم ز دست این گروه خودپرست» که به وسیله مکی «رسد» به «رهد» اصلاح شده است (مکی، ص ۹۲).

ص ۱۷، ب ۳: اصل بیت چنین است:

دل چه می‌خواهم نباشد گر اسیر عشق دوست

جان چه کار آمد، نگرود گر فدای انقلاب

که به وسیله مکی، به این صورت درآمده است: (ص ۹۲)

دل چه می‌خواهم نباشد در حدیث عشق دوست

جان چه کار آید، نگرود گر فدای انقلاب



ص ۱۷، ب آخر: در اصل «ملک» بوده که به وسیله مکی به صورت «ملل» اصلاح شده است (ص ۱۱۰).

ص ۱۸، ب ۲: اصل مصرع چنین است: «افراد حزب جمله زیان می‌کنند و سود» که اشتباهاً در چاپ مکی «افراد خوب» آمده است. (ص ۱۰۶)

ص ۱۸، ب ۹: مصرع اول در طوفان، «خطا» آمده و مکی آن را به صورت «خطاها» اصلاح کرده (ص ۱۰۷) و در چاپ اخوت به صورت «خطایا» آمده است.

ص ۱۹، ب ۱: اصل مصرع چنین است: «شهری خراب و شحنه و شیخ و شهب خراب» که مکی به نادرست «شهر» آورده است (ص ۱۰۷).

ص ۲۰، ب آخر: در مکی به همین صورت است، اما در مآخذ مکی که کتاب سخنوران ایران در عصر حاضر تألیف محمد اسحاق

باشد، چنین است و درست‌تر می‌نماید: «ای داد از آن کسی که به او اختیار داد.» (ص ۳۸۹)

ص ۲۱، ب ۵: عین مورد بالا در مکی «پولاد» و در سخنوران ایران، «پولاد» است (ص ۳۸۹).

ص ۲۲، شعر دوم، ب ۲: مکی از طوفان نقل کرده، ولی در طوفان هفتگی، مصرع دوم چنین است: «ورنه کس نیست که از دست تو فریاد نداشت» (طوفان هفتگی، س ۱، ش ۳، ۱۳۰۶/۱۲/۱۱).

ص ۲۳، مصرع ۲: در طوفان و طوفان هفتگی، «خون جگری» است که مکی اشتباهاً «خون جگر» آورده است (ص ۱۰۱).

ص ۲۳، پس از سطر سوم، این بیت در طوفان و طوفان هفتگی وجود دارد که مکی آن را از قلم انداخته است.

کی به استادی فن شهره شود شاگردی که به صورت، اثر سیلی استاد نداشت؟

(طوفان، س ۶، ش ۲۲، ۱۳۰۵/۷/۲۷)

ص ۲۵، غزل اول: قبلاً توضیح داده شد که چون آقای اخوت از چاپ دیوان فرخی (انتشارات امیرکبیر) استفاده کرده، غزل را ناقص یافته، در حالی که در چاپ فرخی (انتشارات جاویدان) و به نقل از دستخط فرخی که آقای عسکری کامران از یزد برای مرحوم مکی فرستاده بوده، متن کامل غزل درج شده است (ص ۱۹۲).

ص ۲۵، غزل دوم: در طوفان جای بیت ۵ و ۶ فرق دارد و قبل از بیت ۵، این بیت هم وجود دارد که مکی آن را از قلم انداخته است:

این کشمکش گیتی ناشی ز دوئیت شد

جمعیت عالم را یک عائله باید کرد

(طوفان، س ۲، ش ۱۴، ۱۳۰۱/۷/۱۳)

ص ۲۶، ب ۶: مکی اشتباهاً مصرع را این گونه آورده است: ز نای وطن صوت آن «یرحمونی» (ص ۱۹۴) که درست آن چنین است: ز نای وطن صوت آن یرحمونی.

ص ۲۷، ب ۲: «حرونی» به اشتباه در طوفان، «هرونی» آمده، که مکی آن را تصحیح کرده است (ص ۱۹۵).

ص ۲۸، ب آخر: در اصل «این گروه ماردوش» بوده که مکی آن گروه... آورده است (ص ۱۰۲).

اما به عنوان نمونه به چند مورد اغلاط مطبعی که افزون بر چاپ مکی به این چاپ هم راه یافته است (البته فقط تا ص ۵۰) اشاره می‌شود:

ص ۱۵، در اوکین غزل این مجموعه، بیت زیر از قلم افتاده است و دلیل آن، این بوده که شعر مزبور عیناً از شهر شعر فرخی (ص ۲۶) نقل شده است:

چگونه پای گذارم به صرف دعوت شیخ

به مسلکی که ندارد مرام آزادی

(طوفان، س ۶، ش ۱۹، ۱۳۰۵/۷/۲۰)

ص ۱۸، شعر ۲، ب ۴: «خطای» طوفان در چاپ مکی به «خطاها» و در چاپ اخوت به «خطایا» تبدیل شده است: «گر پرسشی کنی ز خطایای او، تو را».

ص ۳۴، شعر ۲، ب ۱: مصرع دوم باید چنین باشد: «سرمایه دار دهر چو او بی نیاز نیست» که چنین آمده: «سرمایه دار هر چو او بی نیاز نیست.» ص ۴۳، ب ۲: «گرد آن کهنه حریف...» «گرد» به «اگر» تبدیل شده است: «اگر آن کهنه حریف این همه کلایش نبود».

ص ۳۲، شعر ۲، ب ۱: چمن از لاله چون بنهاد به سرافسر سرخ، که درست آن چنین است: «چمن از لاله چو بنهاد به سرافسر سرخ».

ص ۳۷، شعر ۲، ب ۳: «خیر در جنبش بشر نبود...» که اشتباهاً

«جنس» به «جنش» تبدیل شده است.

ص ۴۸، شعر ۲، ب ۵: «مهر زرتشت عجب آب و هوایی دارد» که اشتباهاً «مهد» به «مهر» تبدیل شده است.

نگارنده تنها حسنی که در این کتاب و چاپ آن نسبت به چاپ قبلی (مکی) دیده است، طرح روی جلد آن بوده، که متأسفانه نام طراح، در شناسنامه کتاب نیامده است.

سخن پایانی

بیباید عرصه چاپ و نشر و فرهنگ را به سان دیگر عرصه‌های اجتماع، آلوده برخی سیاستهای نادرست و کژمداریها نگردانیم.

بیباید با خوانندگان آثارمان صادق باشیم. ای کاش آقای اخوت، به صراحت و صداقت مثل بقیه کتابهایی که این چند ساله، همان انتشارات نگاه چاپ کرده، روی جلد مجموعه اشعار می‌نوشت: تصحیح حسین مکی، تاروح آن مرحوم آورده نگشته و اهل تحقیق نیز ناچار نشوند خدای ناکرده به این مجموعه نام «سرقه ادبی» بدهند.

پرسش این است: آیا از این به بعد می‌توان کارهای خدمات چاپ را، تدوین نامید؟ آیا خوب نبود تدوین کننده مجموعه اشعار فرخی، که ساکن تهران هم هست، سری به کتابخانه‌های ملی، مجلس و دانشگاه تهران می‌زد و طبق ادعای خودش که «دیوان فرخی در همه چاپها از غلطهای مطبعی لطمه دیده است»، شماره‌های گوناگون طوفان، طوفان هفتگی و دیگر نشریات عصر فرخی را ورق می‌زد و غلطهای چاپی را رفع می‌کرد، آیا ایشان نمی‌داند که مجموعه اشعار جدید، علاوه بر غلطهای چاپی و افتادگیهایی که توسط مکی به دیوان فرخی راه یافته، اغلاط دیگری هم بر آن افزوده است؟

و باز تکرار می‌شود: بیباید با خوانندگان خود صادق باشیم. نگارنده که آقای اخوت را نمی‌شناسد و اثری از ایشان را در بازار نشر و مطبوعات ندیده است که قضاوت کند، لاف‌ها انتشارات نگاه که عمری را با خوشنامی در میان ناشران ایران شهره بوده است، با چاپ چنین کتابهایی اعتبار خود را از دست ندهد.

با توجه به آنچه گذشت خواننده آگاه درمی‌یابد که چاپ جدید انتشارات نگاه از دیوان فرخی حروفچینی جدیدی از چاپ انتشارات امیرکبیر است که نه تنها روایت‌های نادرست چاپ امیرکبیر را اصلاح نکرده بلکه مقدار زیادی غلط چاپی بر آنها افزوده است. پانوشتها:

۱. در این چند ساله کتابهایی با عناوین زیر به وسیله این انتشارات و اکثراً از سوی آقای پرویز بابایی چاپ شده، البته با قید نام مصحح یا مقدمه‌نویس پیشین. همچون دیوان انوری، دیوان حافظ، دیوان سنایی، دیوان مسعود سعد، دیوان وحشی بافقی و کلیات خمسه نظامی.

۲. دیوان فرخی یزدی، تصحیح: حسین مکی، تهران: جاویدان، ۱۳۷۶، ص ۱۹۲.

۳. سرنوشت، حبیب یغمایی، تهران: یغما، ۱۳۵۰، ص ۲۸۵-۲۸۴.

۴. آثار عجم، فرصت‌الدوله شیرازی، بمبئی: مطبع نادری، ۱۳۵۲، ق، ص ۵۶۵.

۵. غزلیات شوریده شیرازی، گردآوری حسن فصیحی، تهران: سنایی، چاپ دوم، ۱۳۳۷، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۶. دیوان قضای یزدی، به کوشش: احمد کرمی، تهران: ما، ۱۳۷۰، ص ۳۱۸. و چند نسخه خطی دیگر که در اختیار نگارنده است.

۷. دیوان پژمان بختیاری، حسین پژمان بختیاری، تهران: پارسا، ۱۳۶۸، ص ۱۳۸.

۸. «فرخی یزدی، سرانجام یک رویای سیاسی»، رضا آذری شهرضایی، گفتگو، ش ۳۰ (زمستان ۱۳۷۹): ۹۳-۶۵.